

شماره ۸۴ - قسمت ۳ - ریال - ۲۳ صفحه

رفیقان شهید فدائیم، قهرمانان سنگرهای مقاومت
در قلب بزرگ خلق همیشه زنده‌اید



★ رفقای شهید فدائی در
سنگرهای رزم دلاورانه خلق
در جنوب خونین مبهتمان ،
خون سرخ خویش را بنسار
استقلال میهن و رهائی
کارگران و زحمتکشان نمودند
نام این رفقای شهید
آذین بخش این شماره "گار"
است .
یادشان گرامی باد

فدائی شهید
رفیق کاظم عسادی

فدائی شهید
رفیق محمد اسدالله نژاد رودینه

در صفحه ۱

چهارشنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۸۴ - صفحه ۲۴

• اخبار شهرستانها •

مردم بندرگز

با نقل و کلاب رزمندگان را به جبهه فرستادند

بندرگز: یکصدوسی تن از سربازان و درجه داران منظم خدمت سال ۵۶ برای طی دوره آموزش نظامی و اعزام به جبهه های جنگ به بندر ترکمن عزیمت کردند. سربازان و درجه داران هنگام حرکت به سوی بندر ترکمن در صفوف منظم و سازمان یافته راهپیمایی کردند و با شعارهای: پرتوان ، پرمشروع ، علیه امپریالیسم ، اتحاد ، اتحاد ، علیه امپریالیسم آمریکا تو خالیست ، وبتنام گواهیست نه سازش ، نه تسلیم ، نبرد با آمریکا و ... آمادگی خود را برای طایفه با دستان مزدور عراقی و امپریالیسم آمریکا اعلام داشتند. مردم شهر و به ویژه هواداران سازمان در این راهپیمایی پرشکوه محالانه شرکت داشتند و با نقل و کلاب رزمندگان را تا ایستگاه راه آهن بدرقه کردند.

بقیه در صفحه ۱۸

کارگران مجمع صنعتی فزویین:

«هوان آماده ایم تا برای دفاع از میهن به جبهه اعزام شویم»

کارگران مجمع صنعتی فزویین دوش بخوس دیگر کارگران رزمده فرمان ایران، چه در جنبه جنگ و چه در جنبه نداوم تولد، در این مظهر حساس تاریخی شایستگی انقلابی خود را در دفاع از استقلال میهن و تعمیق انقلاب صمیمی امپریالیستی - دیکتاتیک مردم ایران نشان می‌دهند. نمونه‌های زبر برخی از اقدامات انقلابی کارگران این مجمع صنعتی است:

۱- کارخانه تپه فزویین:

۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه تپه برای حفاظت از مخازن کارخانه، روز جمعه را بدون دریافت حقوق کار کردند تا با برگردن کشته‌های تن و قرار دادن آنها در مکان مورد نظر، آن فست از کارخانه را که در حطالت و سیاران‌های هوایی احتمال اختراق آن می‌رفت حفاظت کنند. هم‌چنین در این کارخانه عدالت اطلاعاتی از طرف موزاء در حدود ۵۰ نفر برای آموزش نظامی و اعزام به جبهه و هم‌چنین دفاع از کارخانه اگشته‌های سله دفاع از اساس



ازگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پنجشنبه ۲۹ آبان ماه ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۸۵ - صفحه ۲۴

پنجشنبه ۲۹ آبان ماه ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۸۵ - صفحه ۲۴

در صفحه ۱۵

زنان کارگر

دوش به دوش مردان در
سنگرهای انقلاب مبارزه می کنند

**پاسدازان باید
به سلاح سنگین
مسلح شوند!**

سازمان مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت)



شماره ۸۵

عاشورا، روز پیکار با استمگران

پیکار علیه استمگران مضمون اصلی و همیشه جاری تاریخ بشری است.
عاشورا، روز پیکار حسین و یاران او با استمگرانی است که برای تحکیم سلطه جابرانه خود شمشیر برگمانوسی کشیدند که در برابر جود و ظلم آنان فریاد آزادی و حق طلبی برگشیدند.
حسین و یارانش در پیکار علیه جباران، به خون نشستند اما پیام آنان در تاریخ برجای ماند.
... و امروز که با نیروهای باطل دوران امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در پیکاریم، عاشورای حسینی را بزرگ می‌داریم و با ایمان به پیروزی خود، سنگرهای دشمنان انقلاب را یکی پس از دیگری درهم می‌کوبیم.

خلق پایدار حماسه می آفریند

پایداری قهرمانانه مردم سوستگرد که در نبردی تن به تن و خانه به خانه دشمن را به عقب راندند ، حماسه های تازه ای از قهرمانی خلق آفریده است .
 در هفته ای که گذشت رژیم جنایتکار صدام حملات سبانه خود را به انقلاب مردم ایران گسترش داد و در تمامی جبهه ها مذبحخانه تلاشگرود تا مواضع جدیدی را به اشغال خود درآورد .
 اما در تمامی جبهه ها مقاومت و پایداری شورانگیز و حماسه آفرین خلق ، تجاوزگران را با چنان شکست مفتضحانه روبرو ساخت که طبق آخرین اخبار رسیده ، تلفات سنگینی به دشمن وارد آمد . بسیاری از تجهیزات دشمن منهدم شد و گروه های وسیعی از نیروهای رژیم جنایتکار صدام از جمله یکی از فرماندهان بالامقام ارتش مزدور عراق به اسارت مردم درآمد .
 قهرمانی های پرسنل انقلابی ، پاسداران و نیروهای مردمی ، از جمله فدائیان خلق در این پیروزی نقش برجسته ای داشته است .
 بقیه در صفحه ۲

۵ فدائی دیگر، در سنگرهای خوزستان

به شهادت رسیدند

★ محمد قاسم فلاح بیگی ★ محمد عهدی نیک اندام
 ★ البرز یوسفی ★ وحید نیک بیمر ★ علی عساف



فدائی خلق رفیق شهید
 علی عساف
 در صفحه ۱۶

در دفاع از انقلاب ، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پرافتخار طبقه کارگر ، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت ، در عرصه ای از پیکار تاریخ ساز خلق بزرگ ما ، هر روز جان های عزیز را در راه انقلاب نثار می کنند .
 خون پاک رفقا ، دشت ها و دره های میهن را لگون می سازد و بشارت می دهد لاله زاران سرخ را که ایران مستقل ، آباد و دمکراتیک فردای پیروزی زحمتکشانش بر آن بنا می شود .

لیبرال‌ها،

مدافع آزادی سرمایه داران وابسته

دشمن آزادی مردم

بدتر از این چیزی نیست که دشمن طبقاتی مردم بتواند خود را دوست مردم جا بزند که تشخیص دوست از دشمن برای مردم دشوار شود. بخش بزرگی از مردم ما امروز با چنین معضلی دست به گریبانند و به راستی که چه دردناک است، مردمی با یک دنیا فداکاری و عزم جزم برای رهایی خود برخیزند، برای استقلال و آزادی و رهایی از ستم و استثمار این همه جان عزیز نثار کنند، اما دشمنان انقلاب باز هم بتوانند وجود گرگ‌گونه و دیو صفت خود را چنان به چهره انسانی بیارینند که مردم را به اشتباه اندازند، شعارهای مردم را سردهند، قیافه ترقیخواه و بشر دوستانه بگویند، با این قصد که به دست مردم، شکست مردم را باعث شوند.

آری قصد لیبرال‌ها، این دشمنان دوست‌نمای انقلاب همین است. لیبرال‌ها می‌دانند که امروز اکثریت مردم از گرانی و بیگاری که بیش از همه سیاست‌های گام به گام مسبب آن بوده است و نیز از محدودیت آزادی‌های سیاسی و اجتماعی ناراضی‌اند، و می‌دانند که برخی از آنهایی هم که دستشان به دهانشان می‌رسد و بمقول معروف نانی در سفره دارند و مسئله گرانی و بیگاری چندان در فشارشان قرار نداده، بیشتر بر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی تاکید دارند.

امروز هر نیرو و هر فرد دمکرات و ترقیخواهی باید بداند که اگر در جبهه‌ای به رهبری لیبرال‌ها حرکت کند، و یا اگر در برخورد با این سائل فرق سیاست خود را با لیبرال‌ها نه در ذهن خود، بلکه در ذهن بوده‌ها ترسیم نکند، تنها به وپیلای برای پیشبرد سیاست لیبرال‌ها علیه خط امام بدل می‌شود و اگر لیبرال‌ها توفیق یابند بر خط امام غلبه کنند، قطعا پس از تحکیم سلطه خود در حکومت، نیروهای دمکرات و ترقیخواه، خود، نخستین قربانی خواهند بود، هر تصور و توهم دیگر، هرگونه خوش‌یابوری

در باره "دمکراسی" موعود لیبرال‌ها به مفهوم نادیده گرفتن ماهیت طبقاتی نمایندگان سرمایه‌داران وابسته، ناپهده گرفتن همه تجارب تاریخ و سازش با دشمن طبقاتی است که نتیجه آن از قبل معلوم است.

نیروهای دمکرات باید ارتجاعی بودن و یا نبودن یک نیرو را از ماهیت طبقاتی آن و ظرفیت و توان مبارزه آن با امپریالیسم، معلوم کنند نه هیچ چیز دیگری. با همین معیار است که نیروهای خط امام با همه ضعف‌ها و تنگ‌نظری و انحصارطلبی‌های برخی نمایندگان آن، نه ارتجاع، بلکه قبل از هر چیز عملکرد تاریخی - طبقاتی آن اثبات کرده است که نیروهای ضد امپریالیست هستند. همانگونه که دشمن طبقاتی این خط مثل قطب‌زاده، بازگان و غیره نه آزادیخواه و دشمن ارتجاع بلکه خود ارتجاع محض‌اند.

هر چند که روند گسترش و تعمیق انقلاب ایران به‌گونه‌ای نیست که لیبرال‌ها بتوانند در حاکمیت سیاسی بر خط امام غلبه کنند، اما سیاست نادرست برخی جریان‌های دمکرات می‌تواند بر اتحاد مردم و بر گسترش و تعمیق انقلاب مانع ایجاد کند و تسدوم و پیشرفت انقلاب را با کندی روبه‌رو سازد. جنبه انقلاب را تضعیف کند و لیبرال‌ها را تقویت نماید که خطر چنین تحولی را نباید برای انقلاب دست کم گرفت.

شماره ۸۶ - ۲۴ صفحه - ۳۰ ریال

خون رفقای ما سرزمین کارگران و زحمتکشان را گلگون تر کرده است

پیگار پر خروش خلق علیه تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم جنایتکار صدام، صبح پیروزمند زحمتکشان را نوید می دهد.
در پیگار عظیمی که جریان دارد، فدائیان خلق استوار و بی تزلزل در راه آرمان شگوهمند طبقه کارگر جانهای گرانقدری را و شرفه پیمان خونینشان با خلق می کنند.
در این شماره یاد فدائیان خلق، رفقا:



★ فدائی شهید
رفیق اکبر فخور

★ اکبر فخور ★ روحی - مقیطی ★ جمشید پرچی زاده
★ جواد گنجی ★ غلامعباس بخرد ★ سهیلا مستعان زاده
را که در سنگرهای پیگار با تجاوزگران به شهادت رسیده اند گرامی می داریم.
از آنان می آموزیم که همچنان در راه خلق فداکار و در برابر دشمنان خلق تسلیم ناپذیر باشیم.
در صفحه ۱۶



آقای رئیس جمهور!

به خاطر استقلال و آزادی لیبرال‌ها باید افشاء و طرد شوند

همانگونه که در سرمقاله پیشین گفتیم، همه نیروهای ترقیخواه و دمکرات و برخی عناصر و محافل ضدامپریالیست خط امام که خواستار رعایت قانون اساسی و خواستار آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم هستند، این روزها از آزادی‌های سیاسی حرف می‌زنند و خواستار مبارزه علیه انحصارطلبی سیاسی می‌شوند و هم لیبرال‌هایی که بنا به ماهیت طبقاتیشان مخالف آزادی و استقلال ایران هستند، این روزها از آزادی و رعایت قانون اساسی و غیره دم می‌زنند و گفتیم که قطعا آنان که خواستار آزادی و استقلال ایرانند، مقصود و منظورشان از آزادی کاملا متضاد است با مقصود و منظور لیبرال‌ها که خواستار سازش با امپریالیسم هستند.

ما در سرمقاله پیشین نشان دادیم که آزادی مردم و آزادی لیبرال‌ها زمین تا آسمان با هم فرق دارد و یکی ناقص دیگری است.

اما آنچه امروز برای میلیونها هم‌میهن آگاه و مبارز ما و برای بسیاری نیروهای ترقیخواه مطرح شده آن است که این آزادیخواهی رئیس‌جمهور از کدام مقوله

ما در گذشته با توجه به کلیه آثار - مصاحبه‌ها سخنرانی‌ها و مواضع اعلام شده دکتر ابوالحسن بنی‌صدر، با توجه به کل نظرات، گراشات و انحرافات او، میان بنی‌صدر و لیبرال‌ها که خود را پیرو این‌روزها به او نزدیک می‌دانند، فرقی گذاشته‌ایم و هنوز هم با وجود حرکت‌های اخیر بنی‌صدر، به چنین فرقی قائل هستیم.

ما همواره دوستی بنی‌صدر را با بازرگان و شرکاء مورد سخت‌ترین انتقادات قرار داده‌ایم و امروز که برخورد‌های بنی‌صدر را با این سازشکاران آشتی‌پذیرتر از همیشه یافته‌ایم، جای آن دارد همراه و همصدا با میلیونها هم‌میهن مبارز و آگاهان از رئیس‌جمهور بخواهیم سیاست خود را در قبال لیبرال‌ها، در قبال مسائل انقلاب و در قبال دفاع از استقلال و آزادی میهن و شیوه پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم، و حل مسائل و دشواری‌های زحمتکشان، در قبال دولتی کردن تجارت خارجی، اصلاحات ارضی، بحران مسکن، ایجاد اشتغال، سیاست خارجی، تصفیه ارتش، سیاست بازسازی خرابیهای جنگ و غیره به روشنی و دور از بندبازی‌های زیرگانه سیاسی برای مردم توضیح دهد.

رئیس‌جمهور گرامی چه چیزی می‌تواند باشد جز دروغی که با نیت از صاحبان عجز می‌کند
فانی چون بنی‌صدر مترادس برای اینکشی‌های
در روزگام

هرچند بنی‌صدر برخلاف بازرگان و شرکاء معتقد به آزادی و استقلال ایران است و از همین رو ما هنوز حساب او را از حساب لیبرال‌ها که سیاست‌هایشان مخالف استقلال و آزادی ایران و در خط امریکااست جدا می‌کنیم، اما بنی‌صدر صرفنظر از اعتقاداتش اگر نتواند سیاستی مشخص و روشن در قبال لیبرال‌ها و در قبال نیروهای ضدامپریالیست اتخاذ کند و اگر به شیوه کنونی که فرقی خود را با لیبرال‌ها مشخص نمی‌سازد و از آنها دفاع می‌کند، ادامه دهد، قطعا چنین سیاست یک‌پام و دو هوایی نمی‌تواند به تقویت لیبرال‌ها و تضعیف نیروهای ضد-امپریالیست منجر شود.

بنی‌صدر اگر می‌خواهد در خط استقلال و آزادی ایران بماند، نباید اجازه دهد لیبرال‌ها به دور او و امتال او گرد آیند و از او پلگانی برای تقویت سیاست‌های خود و تطهیر خود بسازند بلکه اگر بخواهد به وعده‌هایی که پیش از انتخابات به مردم داده، وفادار بماند، باید خود را با نیروهای ضد-امپریالیست جمهوری اسلامی که برخی از محافل آن از ابتدا با انحصارطلبی سیاسی و سرکوب آزادی‌های سیاسی مخالف بوده و برخی نیز زیر فشار واقعیات جنبش بتدریج به خطرات انحصارطلبی سیاسی پی می‌برند، نزدیک و نزدیکتر شود. چنین سیاستی است که مورد قبول نیروهای ترقیخواه و ضد-امپریالیست و میلیونها تن از مردم آگاه و مبارز میهن ما قرار می‌گیرد. در غیر این صورت بنی‌صدر از نیروهای مدافع استقلال و آزادی ایران دور و به لیبرال‌ها نزدیکتر خواهد شد.

۴۰ تعمیرکار شرکت واحد به جبهه اعزام شدند

هم درنگ را جایز ندانستند و داوطلب خدمت در جبهه شدند. هنگام اعزام این کارگران دیگر کارگران تعمیرگاه شماره ۳، دوستان اعزامی‌شان را طی ابراز احساسات شورانگیزی بدرقه کردند.



روز پنجشنبه ۲۲ آبان ۵۹ در رابطه با احتیاج جبهه جنگ به تعمیرکاران با تجربه ۴۰ تن از کارگران مبارز و انقلابی شرکت واحد که از مدتها قبل آمادگی خود را برای اعزام به جبهه و ترمیم و بازسازی ادوات آسیب‌دیده جنگ اعلام کرده بودند با شوری بی‌شائبه و غرور انگیز به جبهه‌های نبرد اعزام شدند. کارگران تعمیرکار شرکت واحد همچنانکه تاکنون نیز در تعمیر اتوبوس‌های شرکت واحد همواره در خدمت مردم و انقلاب، وظایفشان را انجام داده‌اند، وقتی که احساس کردند در جبهه‌های جنگ به خدمات انقلابیشان نیاز بیشتری است، لحظه‌ای

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شده به عشق

شهادت شهید خلق

پرستل انقلابی ★★★★★

شهید سروان کیافر ، شهید ستوانیار احمدی
فدائیان شهید خسرو کریمی



پرستل انقلابی
شهید سروان حبیب کیافر

محمد حسین صدرآبادی، پرویز قنبری ها در کنار مردم مبارز غرب و جنوب
مهم برای استقلال و آزادی ایران ، دلاورانمیکار کردند ، جان خود را فدای خلق ساختند تا در
فردای رهائی ، کودکان ، زنان و مردان ایران ، لبخند پیروزی زنند ، تا ایران آزاد ،
آباد و دگرآئینگ که در آن رنج ، تبعیض و ستم و استثمار نباشد ، بنا گردد و قلبهای
پرخروش میلیونها زحمتکش ایرانی در ایرانی آزاد و مستقل آنچنان که شایسته انسان است
به تپش درآید . آنها همواره در لبخندهای پیروزی و قلبهای پرتپش خلق زنده ماند . نام
پرافتخار آنها در برگهای سرخ تاریخ انقلاب پر دوام باد .
بقیه در صفحه ۴

**پاسداران باید
به سلاح سنگین
مسلح شوند!**

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

در شرایط کنونی (قسمت آخر)

افزایش تولید شعار کارگران

واخلال در تولید

شعار سرمایه داران

در صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

خط امام در برخورد با واقعیت‌های ***

شماره‌های قبل پیش بینی کرده بودیم ، تا اندازه‌ای برخی حقایق را به نیروهای موسوم به خط امام واضح‌تر از پیش نمایانده است .

بهر حال آنچه امروز نشانه‌هایی از آن بروز کرده ، این است که دست کم سیاست‌های گذشته در برابر بخش وسیعی از نیروهای موسوم به خط امام زیر علامت سؤال قرار گرفته و چنین به نظر می‌رسد که اثرات مخرب این سیاست‌ها که به هیچ‌روی قابل دفاع نیستند و اعتراض وسیع توده‌های میلیونی و نیروهای ترقیخواه بر آن مهر ابطال زده ، از جانب این نیروها درک شده باشد .

سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی تحت عنوان "ستون پنجم و مسخ‌هدف‌ها" که در تاریخ ۲ آذر به چاپ رسیده و در آن بر ضرورت کنار گذاشتن انحصارطلبی و مبارزه با سرمایه‌داری به عنوان ریشه ستون پنجم امپریالیسم و تشکیل شوراهای از یائین و غیره اشاره رفته ، نزدیکی دولت جمهوری اسلامی با کشورها و نیروهای مستقل و ترقیخواه عرب مثل لیبی ، یمن دمکراتیک ، الجزایر ، سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین که با جنگ عراق علیه ایران وارد مرحله جدیدی شده است ، تمایزی که مقامات جمهوری اسلامی هرچند با ابهام ، میان دولتهای سوسیالیستی و سایر دول ترقیخواه جهان با مسالستگ امپریالیستی قائل می‌شوند و .. نخستین نشانه‌های شکسته شدن تصویر ارتجاعی و امپریالیست ساخته "دو ابرقدرت" را به نمایش می‌گذارد . ملاقات اخیر آیت‌الله خمینی با دکتر پیمان که از عناصر دمکرات و انقلابی خط امام است ، تاکید بر محرم نمودن آزادی‌های سیاسی و رعایت قانون اساسی که در یکی دو هفته اخیر از جانب برخی عناصر حزب جمهوری اسلامی اعلام شده و برخی شواهد دیگر همگی بیانگر آنند که بخش وسیعی از نیروهای خط امام زیر فشار واقعیت‌های مبارزه ، کم و بیش درمی‌یابند که بدون تصحیح موضع‌گیری‌های خود بدون کنارگذاشتن انحصارطلبی‌های سیاسی و بدون رعایت حقوق سیاسی توده‌ها و بدون تمایز میان دوستان و دشمنان استقلال و آزادی ایران

خط امام در برخورد با واقعیت‌های انقلاب

این روزها در عرصه تحولات سیاسی میهنمان ، شاهد نشانه‌های مثبتی هستیم . توهنات مسموم و پشداوری‌های مرگباری که بیش از همه در اثر تلقینات امپریالیسم و لیبرال‌ها و سمجانه‌های متحد آنها در حکومت جمهوری اسلامی و تا اندازه‌ای در توده‌های مردم ما رسوخ کرده و بپیکر پرتپش انقلاب را بیمار ساخته ، زیر پتک واقعیات ضربات جدیدی می‌خورد .

نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی ، به حکم ماهیت طبقاتیشان بتدریج بر گوشه‌هایی از واقعیات انگارناپذیر چشم می‌گشایند و تا اندازه‌ای می‌بینند و می‌پذیرند که برخلاف پنداره‌های باسرامیز ، برخلاف نوه‌هایی که انقلاب را سرگردان کرده و در بن‌بست قرار می‌دهد ، درجهان تنها نیستند ، همه جهان علیه آنها توطئه نمی‌کنند . همه دشمن آنها نیستند ، بلکه در مقابله با امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه واقعا نیروهائی هستند که از استقلال و آزادی ایران در برابر امپریالیسم جهانی و نوکران آن دفاع می‌کنند و این نیروها در جهان ، امروز جبهه بس قدرتمندی دارند .

در داخل میهن نیز نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی هرچند با کندی و تعویق ، با فراز و نشیب و با تزلزل و تردید بیش از گذشته در می‌یابند که لیبرال‌ها دشمنان انقلابند ، که اتحاد مصلحتی با لیبرال‌ها این دشمنان دوست‌نمای مردم ، انقلاب را با شکست و ناکامی روبرو می‌سازد . انحصارطلبی‌های سیاسی لیبرال‌ها و ضدانقلاب را رشد می‌دهد ، که عدم توجه به خواسته‌های سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی مردم ، انقلاب را در برابر تهاجم دشمنان خارجی و داخلی آن به سرعت تضعیف می‌کند .

هرچند که نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی هنوز راه درازی برای تشخیص همه دوستان و دشمنان انقلاب دارند ، هرچند هنوز به این حقیقت پی نبرده‌اند که نادیده گرفتن حقوق ملی خلق کرد و بسیاری از حقایق دیگر چه ضرباتی بر پیکر انقلاب وارد می‌سازد ، هرچند ... اما آنچه مسلم است سیر حوادث و بعویزه جنگ عراق با ایران همانگونه که

بقیه در صفحه ۲

چه در داخل و چه در خارج ، ادامه مبارزه علیه لیبرال‌ها که همان ادامه مبارزه علیه امپریالیسم است ، با موانع و مشکلات جدی روبرو است .

قطعا مبارزه میان نیروهائی که هنوز بر ادامه سیاست‌های گذشته پای می‌فشارند و نیروهائی که خواستار دگرگونی آن و تصحیح خطاهای گذشته‌اند ، هنوز بین خط امام جریان دارد و ادامه خواهد یافت . از شواهد چنین پیداست که امروز برای برخی از نیروهای خط امام مسلم شده که سیاست پایمال کردن آزادی‌های سیاسی ، سیاست نادیده گرفتن حقوق ملی خلق کرد ، بستن دانشگاه‌ها و غیره بیشترین ضربات را بر خط امام

وارد ساخته و از این سیاست تنها لیبرال‌ها و سایر دشمنان انقلاب سود برده‌اند . می‌توان انتظار داشت که در روزهای آینده سیاست نیروهای خط امام چه در صحنه خارجی و چه در داخل تا اندازه‌ای متفاوت از گذشته باشد و روند تصحیح سیاست با کندی ادامه یابد هرچند که چنین تصحیحی را نمی‌توان در ابعادی وسیع انتظار داشت .

چنین سیاستی هرگونه امکان مخدوش شدن نیروهای طرفدار انقلاب و لیبرال‌ها را از میان خواهد برد و قطعا موضعی که رئیس جمهور بنی‌صدر درقبال چنین سیاستی می‌گیرد ، نشان خواهد داد که او تا چه اندازه ظرفیت همراهی با تعمیق انقلاب و آماده مبارزه با کسانی است که پیش از رسیدن به ریاست جمهوری ، خود را مخالف سرسخت آنان معرفی کرده بود . بنی‌صدر و باران او در صورت غلبه سیاستی مخالف با سیاست‌های انحصارطلبانه گذشته بر نیروهای ضدامپریالیست خط امام قطعاً نخواهند توانست . به سیاست دوستی با لیبرال‌ها به‌گونه‌ای که امروز هست ، ادامه دهند و بازهم به توجیهانی که در این رابطه ارائه می‌کنند ، متوسل شوند . آنچه با باید در کنار نیروهای ضدامپریالیست خط امام قرار گیرند و به وعده‌هایی که به مردم ایران داده‌اند ، عمل کنند و یا با مقابله با این نیرو و وحدت با لیبرال‌ها در سنگری قرار گیرند . مدتهاست بارزگان‌ها در آن قرار دارند ، و عملا در مسیری خلاف آنچه به مردم قول داده‌اند ، سیر کنند .



در شرایط کنونی افزایش تولید شعار کارگران

واخلال در تولید شعار سرمایه داران (قسمت اول)

سرمایه داران مطرح کنیم ، و کسی که در شرایط کنونی شعار افزایش تولید را شعار سرمایه داران می داند ، در واقع حاکمیت را حاکمیت سرمایه داران معرفی می کند و اقلیت نیز چنین می کند . ولی (برای استحضار اقلیت) ببینیم ، اکنون در جبهه تولید که از مهم ترین عرصه های مبارزه ضدامپریالیستی است ، صفوف انقلاب و ضدانقلاب هر یک حول چه شعاری آرایش یافته اند آنچه که مسلم است ، امپریالیسم تبهکار آمریکا ، با آغاز انقلاب ایران و به ویژه پس از تسخیر جاسوسخانه ، به موازات ضرباتی که از انقلاب ایران خورد ، در همه زمینه های جنگ ، به ویژه در عرصه جنگ اقتصادی ، جبهه های گسترده را علیه انقلاب گشود و پایه های اخلال در تولید توسط ضدانقلابیون لیبرال ، دامنه کارشکنی های امپریالیستی علیه اقتصاد ایران ، از اخلال در تحویل مواد اولیه کالاهای ضروری ، به تحریم و محاصره اقتصادی و بلوکه کردن ارزها و سرمایه های ایران گسترش داد و طی ماه های اخیر ، هم زمان با تحمیل جنگ تجاوزگرانه عراق در کنار تاکتیک های تحریم و محاصره اقتصادی ، تخریب نظامی تاسیسات اقتصادی ایران توسط رژیم عراق ، به مثابه مکمل تاکتیک های تخریبی پیشین ، توسط امپریالیسم استقبال و تقویت شد . آری ! شعار تخریب صنایع ، اخلال در تولید ، بلوکه کردن ارزها ، تحریم و محاصره اقتصادی ، به تعطیل کشاندن کارخانجات و ... جعلگی از تاکتیک های مخرب ضدانقلاب جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، رژیم تجاوزگر عراق و ضد انقلابیون لیبرال است . تاکتیک هایی که بمنظور ورشکستگی و انسیمال اقتصادی ایران ، سرنگونی عاجلانه حاکمیت ضدامپریالیستی و برقراری حاکمیت ارتجاعی سرمایه داران وابسته بسطه امپریالیسم توسط ضدانقلابیون به کار گرفته می شود .

با آغاز جنگ تحمیلی عراق و با تخریب برخی تاسیسات مهم صنعتی کشور و تشدید توطئه های امپریالیستی ، مسئله تامین مواد اولیه و سوخت کارخانجات جهت تداوم تولید ، بیش از پیش به صورت یکی از مشکلات اساسی در مبارزه اقتصادی استقلال طلبانه نیروهای انقلاب درآمد . تداوم تولید و افزایش بازدهی کار که لزوماً با خنثی کردن تشبثات اخلالگرانه امپریالیستی توانان است ، بیش از پیش به صورت وظیفه مبرم نیروهای انقلابی درآمد . همچنانکه " کمیته های فنی دفاع از انقلاب " در کارخانه ها با ترمیم و بازسازی ادوات آسیب دیده جنگ ، اقدامات و تاکتیک های تخریبی منجوازمین عراقی را بی اثر می کنند ، طبقه کارگر قهرمان ایران و همسایه نیروهای انقلابی نیز ، به طریق اولی ، با تداوم تولید و ترمیم و بازسازی اقتصاد بحران زده ما ، تاکتیک های اخلالگرانه و مخرب امپریالیستی را در امر فلج کردن اقتصاد ایران و شکست انقلاب ، خنثی و بی اثر می کنند تا راه دشوار

استقلال اقتصادی و ... را بکشایند و هم از این رو است که می بینیم نیروهای انقلابی در برابر نیروهای ضدانقلابی با دو شعار متضاد ، یکی " تداوم تولید " و دیگری " اخلال در تولید " صف آرایی می کنند . اقلیت این صف آرایی نیروها را وارونه و مفشوش می بیند ، از همین رو است که نامربوط می گوید و شعار تداوم تولید را در دهان سرمایه داران می گذارد . و این را نیز درک نمی کند که تداوم تولید ، تداوم انقلاب است نه بازسازی ضدانقلاب .

اقلیت ادعا می کند که جنگ شرایط مناسب و مطلوبی برای سرمایه داران فراهم آورده است ، زیرا زمینه مساعدی برای شعار تداوم تولید فراهم آمده و روحیه افزایش تولید در کارگران بالا گرفته است و در نتیجه سودی برای سرمایه داران ، بیش از پیش تضمین شده است . ما نیز معتقدیم که پله این جنگ تحمیلی ، شرایط مناسبی را برای سرمایه داران فراهم کرده است ولی با استدلالی کاملاً متفاوت ، ما می گوئیم : این جنگ تحمیلی زمینه مساعدی را برای تحقق و اجرای همه جانبه شعار " اخلال در تولید " توسط سرمایه داران فراهم آورده است ، چه اگر در گذشته تنها تحریم و محاصره اقتصادی ، بلوکه کردن ارزها و سرمایه ها ، اخلال در تولید و تعطیل کارخانه ها و ... عرصه تحریکات و توطئه های ضدانقلابیون لیبرال بود ، اکنون تخریب نظامی کارخانجات و فلج کردن اقتصاد آن " تاکتیک قاطع " و آن ضربه مکملی است که از دیروز در انتظارش بوده اند . اقلیت روحیه افزایش تولید در کارگران را نیز ، در همین رابطه به مثابه یکی از دلایل " ناگوار " وجود این " شرایط مطلوب " نکوهش می کند و حتی کارگران را به مراتب عقب مانده تر از خود می پندارد . آنچنانکه پس از توصیف موقعیت سرمایه داران در رابطه با شعار افزایش تولید ، وضعیت کارگران را چنین " تحلیل " می کند :

" اما ، این یک سوی جبهه است ، در جبهه دیگر پرولتاریا ایستاده است و جوان است و کم تجربه ، در عین حال چند صباحی است که از روستاها ، به شهرها رانده شده است و به همین دلیل در اولین مراحل جنگ ، یا تبلیغات سرمایه داری به راحتی غریز دهقانی ، شور زمینداری و مستی میهن پرستی افراطی آنها را برمی انگیزد و به دفاع از میهن سرمایه داران می کشاند و با موقنا جو فشار و سرکوب و اخراج و وحشت رکود و بیگاری او را به موضع عقب نشینی می کشاند و وادار به دادن امتیازاتی می کند .

(نشریه اقلیت شماره ۸۱)

این است عصاره بی ایمانی کامل به پرولتاریای قهرمان ایران . این تبلور آن جوهر یاسی است که در اعماق تفکر اقلیت ریشه دارد . آری ، منشویک های کبیرما که همه را از " بنوع " خود انگشت به دندان کرده اند ، انگیزه شرکت فعالانه پرولتاریای ایران را در سنگرهای جنگ و تداوم تولید " مستی شوونیزم " قلمداد می کنند . آری پرولتاریای ایران " جوان " است ، " کم تجربه " است ، تازه از ده آمده است ، و هنوز اوضاع کار دستش نیست و ... ولی دوستان عزیز مگر شما برای پرولتاریای ایران چه خیالی در سر داشتید ؟ چه کاری می خواستید به دستش دهید که تجربه اش را نداشت ؟ انقلاب سوسیالیستی باید بهی می کرد ؟ ساختمان کمونیزم را بهی می ریخت ؟ و یا نه ، از اینک " فوریه تا اکتبرش " را اینقدر کش داده است ، دیگر از او ناامید شده اید ؟ آری در قبال وظایف سترگی که شما در ذهن نان برای پرولتاریای ایران مقرر نمودید ، پرولتاریای ما ، پرولتاریای ناآگاه و کم تجربه است و از این فراتر اضافه می کنیم که هنوز توان پذیرش و اجرای بسیاری از وظایف دمکراتیک و طبقاتی خویش را نیز نیافته است .

در شرایطی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، مترصد است تا با همدستی رژیم مرتجع عراق و ضدانقلاب داخلی ، دستاوردهای سترگ انقلاب را درهم شکند ، عرصه تولید از جمله سنگرهای مقاومتی است که خلق قهرمان ما در برابر تجاوزات امپریالیستی برپای داشته است . در این سنگر ، طبقه کارگر ، با تداوم تولید و افزایش بازدهی کار و خنثی کردن توطئه های اخلالگرانه ضدانقلابیون لیبرال در امر تولید ، نقش اساسی خویش را در دفاع از استقلال میهن و تعمیق انقلاب تا نیل به پیروزی نهائی ایفا می نماید . سازمان ما تاکنون به کرات بر اهمیت نقش تداوم تولید در حفظ دستاوردهای انقلاب و تضمین پایداری در برابر ضدانقلاب جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی خلق ، تاکید و تصریح نموده است . اما در این میان جریان های انحرافی " چپ " که مارکسیسم - لنینیسم را نه به مثابه راهنمای عمل ، بلکه به عنوان محمل انتزاع بافی ها و قریبه سازی های دون کیشوت مآبانه به کار می گیرند ، در حالی که در عالم تخیل ، به تابلوی حوادث " فوریه - اکتبر " همانند یک آینه خیره گشتانند ، از آن همه " مشابهت " و " تقارن " میان خود و لنین مبهوت و ذوق زده شده و بی درنگ قلم برداشته و به طبقه کارگر " رهنمود " می دهند که : پرولتاریای ایران ! دست نگهدارید ، این جنگ یک جنگ تدافعی و عادلانه ، بلکه جنگی ارتجاعی و شوونیستی است . جانبازی در این جنگ ، فریبی بیش نیست ، تولید را بهبوده افزایش ندهید ، بازدهی کار را بالا نبرید ، زیرا

" افزایش تولید شعار سرمایه داران است " ، آری ! " حالا نوبت سرمایه داران و زمینداران بزرگ است که با استفاده از " شرایط مناسب و مطلوب " هر چه بیشتر و سریع تر بتازند ، مواضع جدیدی را تسخیر کنند و سازمان های درهم ریخته را از نو سامان دهند .

(نشریه اقلیت ، شماره ۸۱)

ببینیم ، این تحلیل ها و رهنمود های سرشار از " درایت پرولتاری " از چه منبع استدلالی می تراود اقلیت مدعی است که :

اولاً - در اثر جنگ " شرایط مناسب و مطلوبی برای سرمایه داران " جهت افزایش تولید فراهم شده است و ،

ثانیاً - سرمایه داران برای کسب سود هر چه بیشتر ، با توسل به شعار افزایش تولید ، از این " شرایط مطلوب " استفاده می کنند . اقلیت یک امر بدیهی و بسیار مهم را هنوز نتوانسته است درک کند و آن این که افزایش تولید در جامعه ای با حاکمیت ملی و ضد امپریالیست ، بیش از آنکه به نفع امپریالیسم تمام شود ، در خدمت تقویت بنیه اقتصادی قرار می گیرد ، یعنی ثمرات افزایش تولید در وجه غالبش به مثابه پشتوانه مادی قدرت ضدامپریالیستی حاکم در می آید ، هر چند که اقتصاد جامعه جدا از بند روابط اسارت آمیز وابستگی هنوز خلاص نشده باشد . در واقع آنچه را که " اقلیت " نمی تواند درک کند ، تاثیر متقابل و رابطه دیالکتیکی میان زیربنای اقتصادی و روبنای سیاسی یک جامعه و مفهوم استقلال نسبی روبنا از زیربناست . اقلیت افزایش تولید را در افزایش سودبری سرمایه داران خلاصه می کند و پس از بدو آنکه در نظر بگیرد که دولت (که در وجه غالبش ابزار تسلط خرده بورژوازی است) ، از بهر موری تولید ، به نسبت سهمی که در حاکمیت دارد ، قهراً برخوردار می گردد . افزایش و یا کاهش تولید ، مستقیماً موجبات تحکیم یا تضعیف استقلال سیاسی میهن را فراهم می آورد . تنها وقتی که حاکمیت موجود را ارگان سطح سرمایه داران وابسته بدانیم می توانیم شعار افزایش تولید را به مثابه یک شعار امپریالیستی و در جهت تحکیم پایه های قدرت

چهارشنبه
سال دوم - شماره ۸۷ - صفحه ۲۴
۱۲ آذر ۱۳۵۹

می مانیم و در خون پیکار می کنیم

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پر افتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرصه‌ای از پیکار تاریخساز خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های عزیزی را در راه انقلاب نثار می‌کنند. خون پاک رفقا، دشت‌ها و دره‌های میهن را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دموکراتیک فردای پیروزی زحمتگشان بر آن بنا می‌شود.

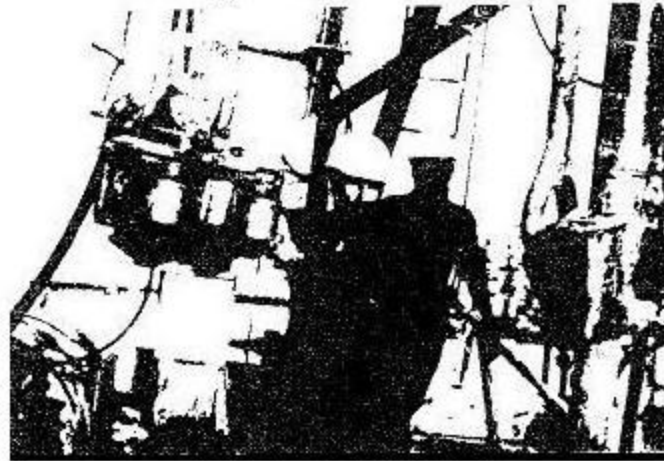
فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- | | | |
|---------------------------|---------------------|-------------------------------|
| ☆ شهریار باقرزاده | ☆ عبدالحسین شاه‌میر | ☆ رحمت‌اله (امیر) اسفندیاریور |
| ☆ سعید کوشش | ☆ علی حاتم‌زاده | ☆ اکبر بدلی (کارگری‌ترو) |
| ☆ مرتضی دارابی | ☆ البرزیوسفی | ☆ حبیب‌الله فرحبخش |
| ☆ علی مصاف | ☆ عبدالله مرادی | ☆ محمدرضا آذریان |
| ☆ محمد اسداله نژاد رودبند | ☆ کاظم عسدی | ☆ محمود اشرف‌آبادی |
| ☆ وحید نیک‌بسر | ☆ رحیم مقیطی | ☆ محمد مهدی نیک‌اندام |
| ☆ اکبر فخور | ☆ امیر آفائی | ☆ محمد قاسم فلاح بیگی |
| ☆ جواد گنجی | ☆ علی ابراهیمی | ☆ جمشید یزچی زاده |
| ☆ خسرو کریمی | ☆ غلام عباس بخرد | ☆ سهلا مستعان زاده |
| | ☆ پرویز قنبری‌ها | ☆ محمدحسین صدرآبادی |

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

سال دوم - چهارشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۵۹
شماره ۸۸ - صفحه ۲۴ - ۲۵ ریال

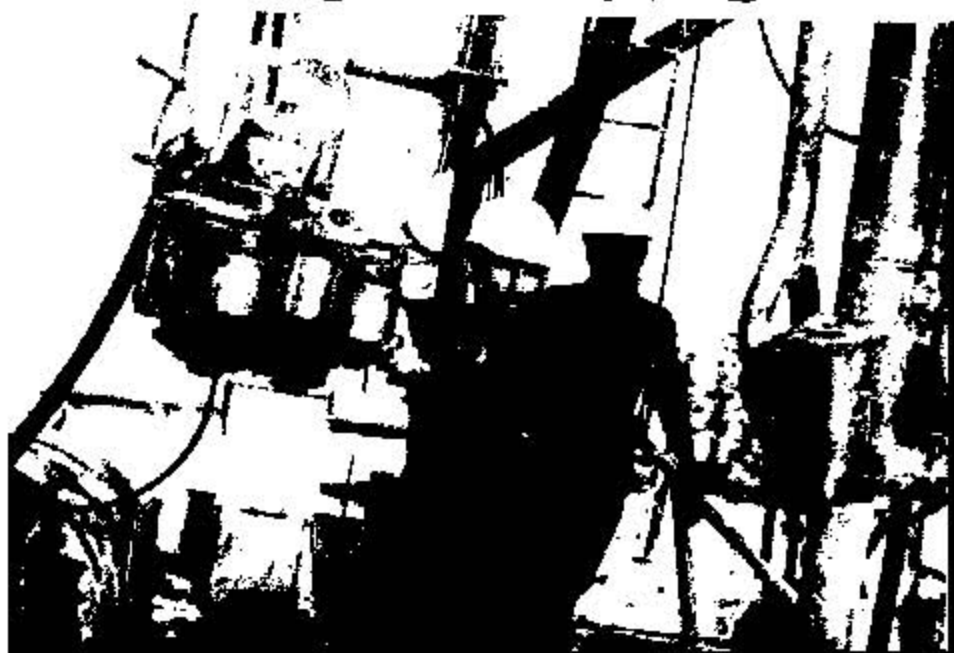
شهادت کارگر قهرمان ★ فدائی خلق عنایت‌الله رئیسی در جبهه دب حردان



★ رفیق عنایت‌الله رئیسی در سنگر تولید

طبقه کارگر قهرمان ایران، روزی نیست که در راه استقلال، آزادی و رهایی
هند راجهتستان از قید ستم و استعمار، گروهی از پیشروان آگاه و فداکار خود را شکار
نکند.
رفیق شهید، فدائی خلق، عنایت‌الله رئیسی از تبار پیشروان طبقه کارگر بود.
زندگی کوتاه رفیق سراسر تلاش، فداکاری و مبارزه علیه دشمنان مردم بود. رفیق در
جریان پیگیری دلاورانه در راه استقلال، مین و آرمان والای طبقه کارگر در سنگرهای سرخ
مقاومت، به شهادت رسید.
مقدمه در صفحه ۲۲ - پادش گرامی باد

شهادت کارگر قهرمان ★ فدائی خلق عنایت اله رئیس در جبهه دب حردان



★ رفیق عنایت‌الله رئیس در سنگر تولید

طبقه کارگر قهرمان ایران ، روزی نیست که در راه استقلال ، آزادی و رهایی همه زحمتکشان از قید ستم و استثمار گروهی از پیشروان آگاه و فداکار خود را نثار نکند .

رفیق شهید ، فدائی خلق ، عنایت‌الله رئیس از تبار پیشروان طبقه کارگر بود . زندگی کوتاه رفیق سراسر تلاش ، فداکاری و مبارزه علیه دشمنان مردم بود . رفیق در جریان پیگیری دلاورانه در راه استقلال میهن و آرمان والای طبقه کارگر در سنگرهای سرخ مقاومت ، به شهادت رسید .

بقیه در صفحه ۱۳ پادش گرامی باد

از اقدامات ترقی خواهانه
هیئت‌های هفت نفره
دفاع کنیم
تاخیر در اجرای بند (ج) اصلاحات ارضی
عملاً انحلال هیئت‌های ۷ نفره است
در صفحه ۱۱



چهارشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۸۸ - صفحه

ازگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۸۸ - صفحه

ازگان سراسری سازمان جریکهای فدائی خلق ایران
سال دوم - چهارشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۵۹ «اکثریت»

از اقدامات ترقی خواهانه

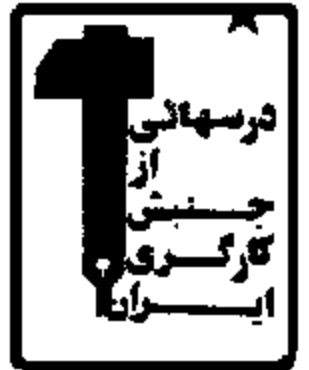
هیئت های هفت نفره

دفاع کنیم

تاخیر در اجرای بند (ج) اصلاحات ارضی

عملاً انحلال هیئت های ۷ نفره است

در صفحه ۱۱



در شرایط کنونی افزایش تولید شعار کارگران واخلال در تولید شعار سرمایه داران

(قسمت آخر)

که "حاضر است برای مبارزه با سختی های جنگ دست به افزایش تولید بزند". آری، بار دیگر اصل "طلائی" آنارشیزم، "هیچ چیز و یا همه چیز" در قالب شعار "افزایش تولید - مشروط" نمایان می شود و معنی این شعار نیز روشن است: سنگ بزرگ علامت نژاد است.

اقلیت ابتدا "قدرت تضمین شده" می خواهد تا افزایش تولید را مجاز بداند و این نکته ممکن نیست به ذهنش خطور کند که در این شرایط خود افزایش تولید ابتدائاً یعنی قبل از کسب قدرت، یک شعار مبارزاتی بوده و می تواند وسیله ای در خدمت کسب قدرت پرولتاریا باشد و به همین خاطر اعلام می کند "افزایش تولید شعار سرمایه داران است". آری "چپ" های ما آنچنان خواب زده اند که حتی منطق برای واقعیت ها نیز، قادر نیست پلنه اوهاشان را از هم بدرد. آنها این مسئله را درک نمی کنند که با طرح شعار "افزایش تولید" سرمایه داران است (آن هم در شرایطی که رژیم عراق در همسویی کامل با امپریالیسم آمریکا، مراکز اقتصادی ما را تخریب می کند) عملاً نقش "اسب تروای" ضدانقلاب را در تخریب تولید به عهده می گیرند و به اجرای نوظلم های اخلاک گرانه سرمایه داران مدد می رسانند. آیا هنگام آن نشده است که این خواب زدهگان بیدار شوند و ببینند که چگونه نادانسته، با خیمه و خرگاهشان از اردوگاه دشمن سردرآورده اند؟

زمینداری "هستند؟ یا شاید به خاطر "جو فسار و سرکوب و اخراج و وحشت از رکود و بیکاری" مرعوب شده و خود را مجبور به افزایش تولید و دفاع از "میهن سرمایه داران" می بینند؟ آیا "وحشت از بیکاری ... و سرکوب و اخراج" به حدی است که کارگران ناگزیر شوند حتی جانشان را نیز در راه منافع سرمایه داران فدا کنند؟ چگونه ممکن است تفکران قهرمانی که در برابر فسار سرکوب یکی از سرورسی برین رژیم های تاریخ سر فرود نیاوردند، در برابر این "جو فسار" این چنین خوار و زبون شده باشند؟ آیا هیچگاه ترس از سرکوب و وحشت از بیکاری می تواند انگیزه "میهن پرستی افراطی" کارگران شود؟ اقلیت، در حالی شور انقلابی کارگران را در دفاع از انقلاب و استقلال میهن به صفتی میهن پرستی افراطی تعبیر می کند که تفکران مبارز ضمن ارسال پیامی به کارگران صنعت نفت عراق که متخون از علائق انترناسیونالیستی پرولتری است، آنان را به اعتصابات عمومی و یکپارچه علیه رژیم عراق و ایجاد کمیته های اعتصاب فرا می خواند و با "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی (خانه کارگر)" که به زعم اقلیت و سرکا، زیر نفوذ بورژوازی است، با ارسال پیامی خطاب به کارگران فرانس، با تاکید بر همبستگی جهانی کارگران، مسئولیت کارگران فرانس را در قبال انقلاب و زحمتکشان ایران، هشدار می دهد. این پیام ها جلوه هایی از جوهر انترناسیونالیستی و ترقی خواهانه مبارزه کارگران ایران در دفاع از انقلاب و استقلال میهن است. نه نشانه "مستی میهن پرستی افراطی" پرولتاریای ایران، آیا این اقلیت و سرکایش نیستند که با اینگونه ادعاهای واهی، آنچنان دچار مستی "چپ روی" شده اند که به هدیان کوئی و هموائی با سرمایه داران دچار گشته اند؟ سرانجام اقلیت ضمن مردود شمردن اصولی شعار تداوم تولید و افزایش بازدهی کار، شرایط "انقلابی" اش را برای افزایش تولید از قول "کارگران پیشرو" چنین طرح می کند:

ما هم برای مبارزه با سختی های جنگ حاضریم دست به افزایش تولید بزنیم
بد شرط این که:
الف - اداره کارخانه ها را به عهده ما بگذارند.
ب - اسناد و دفاتر کارخانه ها را در اختیار ما بگذارند.
ج - رابط های بازرگانی را رو کنید
د - شوره های کارگری ما را به رسمیت بشناسید.
ه - امکان توزیع عادلانه و منطبق بر نیازهای توده کارگران و زحمتکشان را که از طریق شوره های محلی و کمیته های توزیع امکان پذیر است، فراهم کنید، بالاخره در یک کلام قدرت را به ما بسپارید. آن وقت از ما بخواهید که با تمام قوا کار کنیم."
(نشریه اقلیت شماره "۸۱")
سرانجام اقلیت از صفتی "جدروی" به هدیان کوئی و فریبسی دچار می شود و از صاحبان قدرت می خواهد که یک انقلاب سوسیالیستی تسنه و رفنه انحاء داده و او را گاندار قدرت نمایند و سپس از او "کار" بخواهند، تا او نیز به سهم خود نشان دهد

هنوز طمغ کارگر ایران از کیفیت سازمانی صفتی - سیاسی خویشی درک روشن و دقیقی ندارد و ... ولی با وجود این هزاران فرسنگ جلوسر از "مغرب برین شورسین های چپ" ما در راستای انقلاب کام برمی دارد. آری پرولتاریای ما جوان است ولی نه "جوان" بدان معیری که همواره در اذهان رنگارنگ فریبسین ایورونیست های راست، با "خام اندیشی" و "کم جبرکی" معادل می نمود، پرولتاریای جوان و انقلابی ایران، بر خلاف "چپ" های ما، آنقدر عقب مانده و منحصر نیست که سحره تاریخی سرکونی رژیم فساک و مردور پهلوی (این بد عظیم آگاهی و شکل کارگران و زحمتکشان ایران) را نادیده انگارد. فرق میان سندیگای سیاه آریامپری را با سوراخس و سندیگای کنونی نبیند، رژیم صباوز و ضد مردمی عراق و امپریالیسم تبعکار آمریکا را از حکومت جمهوری اسلامی تمیز ندهد و نداند که در برابر تجاوزات نظامی و تخریب کارخانجات و کشتار کارگران و زحمتکشان ایران چه وظایفی بدعهده دارد؟ هر چند که این پرولتاریا، چند "صباحی" بیش از آمدنش به شهر نگذشتند باشند، این منطق انقلاب است که "اقلیت" درک نمی کند، نه کم و کیف میزان رشد پرولتاریا و تفاوت میان زحمتکشان شهر و روستا از زحمتکشان که حتی همان "چند صباح" را هم فرصت بیرون آمدن از روستاهایشان را نکردند (و نه سندیگای پرولتاریای صنعتی هستند و نه حتی کارگر کشاورزی) گرفته تا پیشروترین لایحه های پرولتاریای صنعتی (تفکران و کارگران صنایع فولاد - نورد، ماشین سازی و ...). همه و همه منطق انقلابشان را فهمیده و صدای تاریخ را شنیده اند. ولی هنوز "چپ" های واروند اندیش و ناباور ما به معجزه کارگران و زحمتکشان اعتقاد نیافته اند. آنها از انقلاب مردم درسی نگرفتند ولی توده ها خود درس های بسیاری از ظرفیت انقلابی تاریخ سازشان گرفتند. آری توده ها نجارب غنی سه سال مبارزه ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و طبقاتی را پشت سر گذاشتند حال آنکه اقلیت، تجربه و استعداد پرولتاریای ایران را علیرغم این پشتوانه مبارزاتی غنی، تا سطح شعور و تجربه خود تنزل می دهد و غافل است از آنکه "به هنگام انقلاب" توده ها با چکمه های فرسنگ پیمای کام برمی دارند. آری تنها به اتکای چنین ذهنیت مغشوشی است که "غرایز دهقانی" شور زمینداری و "مستی میهن پرستی افراطی" انگیزد شرکت همدجانبه پرولتاریای ایران در جنبه جنگ و سنگرهای تداوم تولید می گردد. باید از این آقایان پرسید که آیا تفکران قهرمان ما این کردان پیشتاز پرولتاریای ایران، که با امتصبات یکپارچه شان و با بستن شوره های نفت و خاموش کردن چراغ عمر رژیم شاه و پیروزی انقلاب بهمن نقش غرور آفرین ایفا کردند آنها که هم اینک نیز در سنگرهای دفاع از انقلاب پستان پیش طمغ کارگر ایران می رزمند، آیا تا نیز با هفتاد سال سنت مبارزاتی شان "چند صباحی" است که از روستا به شهر رانده شده اند، اسیر "غرایز دهقانی" و شعور





چهارشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۸۸ - صفحه ۱۹

دارودسته قاسملو اخیراً تبلیغات شدیدی علیه قیاده موقت در منطقه به راه انداخته‌اند. این تبلیغات بدون شک هدایت شده از جانب رژیم صدام است تا زمینه سرکوب آنها را توسط افراد قاسملو در منطقه فراهم آورد. نیروهای قیاده هم‌اکنون در مناطق بین اربیل و کرکوک و موصل و چند نقطه مرزی درگیر جنگ با رژیم صدام می‌باشند.

پاسخ به هواداران

... تقاضا می‌کنیم به سئوالاتی که با خواندن سرفاله کار شماره ۶۶ تحت عنوان "آقای رئیس جمهور، بدخاطر استقلال و آزادی، لیبرال‌ها باید افشاء و طرد بشوند" برای گروهی از سربازان طرفدار سازمان مطرح شده است، پاسخ بنویسید:

۱- ما می‌خواهیم که صریحا ماهیت طبقاتی بنی‌صدر روشن گردد. آیا او یک نیروی بینابینی است یا لیبرال؟ با توجه به عملکردهای او بعد از ریاست جمهوری.

۲- آیا بنی‌صدر واقعا مخالف دارودسته بازرگان و شرکا بوده و هست؟ چه دلیلی برای گفتارشان دارید؟ آیا او راهی جدا و مخالف بازرگان و شرکا انتخاب کرده است؟

۳- در صفحه ۲ ستون دوم مطالبی که بیان شده است آیا نمایانگر این مطلب نیست که بنی‌صدر نیز یک لیبرال است؟ توضیح دهید که با توجه به تمام عملکردهای بنی‌صدر بعد از

ریاست جمهوری چرا چنین موضعی اعلام شده که بین بنی‌صدر و لیبرال‌ها (بازرگان و شرکا) فرقی قائل هستید و اما این فرق در چیست؟

۴- آیا بنی‌صدر فقط به خاطر دفاع از آزادی و استقلال ایران از لیبرال‌ها متمایز می‌شود؟ آیا آزادی و استقلالی که او از آن دم می‌زند همان نیست که خواهان روابط با امپریالیست‌های اروپائی و ژاپنی می‌باشد که سرانجامش به‌مخاطره افتادن استقلال و آزادی است؟ آیا آزادی‌ای که بنی‌صدر درباره‌اش حرف می‌زند با آزادی‌ای که لیبرال‌ها خواهان آنند، تفاوتی دارد؟ آیا این استقلال و آزادی که بنی‌صدر خواهان آن است، مورد تأیید سازمان می‌باشد؟

با درودهای رفیقانه و با امید پیروزی سازمان - گروهی از سربازان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

رفتای سرباز، سلام گرم و رفیقانه سازمانتان را بپذیرید. حضور فعال شما، فدائیان خلق (اکثریت) در جبهه‌های نبرد خلق با تجاوزگران بیانگر استواری و اعتماد عمیق انقلابیون کمونیست به رهائی خلق‌های ما و سراسر جهان از یوغ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. جانبازی و فداکاری شما در راه منافع مردم بدون تردید در تحکیم پیوند ما با توده‌های مردم و گسترش نفوذ و اعتبار انقلابیون در نزد توده‌های میلیونی نقش عظیم برجای خواهد گذاشت و امر رهائی واقعی خلق را با گام‌های استوارتری تدارک خواهد داد.

پاسخ همه‌جانبه و دقیق به سئوالاتی که مطرح کرده‌اید محتاج فرصت بیشتر و بحث وسیع‌تری است. با این‌همه ما می‌کوشیم که به نحو فشرده‌ای پاسخ در خور به سئوالات شما بنویسیم:

ج ۱: دیک سازمان از ماهیت طبقاتی بنی‌صدر یا صحیح‌تر بیان کنیم، دیک سازمان از محتوای طبقاتی سیاست‌هایی که بنی‌صدر نمایندگی و سخنگوی آن است، برمی‌گردد به تحلیلی که سازمان از ساخت طبقاتی جامعه دارد. تا بسط اطلاع داشته باشید که در بسیاری از تحلیل‌ها (که نمی‌توانست به دلیل وضعیت عیبی و ذهنی تحلیل‌گران دقیق و همه‌جانبه‌ای علمی باشد) این اعتقاد اشاعه می‌یافت که یکی از نتایج تحولات جامعه به دنبال شکست نهضت ملی در کودتای ۱۳۳۲، استحاله کامل بورژوازی ملی ایران و وابسته شدن تمامی لایه‌ها و اقشار این بورژوازی است. بطوری که در تحلیل‌های گذشته سازمان - بورژوازی ایران تماما وابسته توصیف می‌شد و تنها به وجود بقایای روبنائی (فرهنگی، ایدئولوژیک - سیاسی) بورژوازی ملی ایران تأکید می‌شد.

سازمان بر این موضع درست، پای می‌شرد که وجود آرمان‌های بورژوازی ملی و نمایندگان سیاسی آن می‌تواند بدون وجود نیروی مادی و عینی به نام بورژوازی ملی امر درستی باشد. این موضع درست که حقایق تاریخی و مشخص فراوانی صحت آن را اثبات کرده است، اساس

موضفگیری اولیه سازمان نسبت به مضمون طبقاتی سیاست‌های بنی‌صدر بود. بنابراین سازمان مضمون طبقاتی سیاست‌هایی را که بنی‌صدر حامل و نمایندگی آن است، متعلق به بورژوازی ملی ایران قلمداد می‌کند که دارای تمایلات ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه است.

بورژوازی ملی، براساس تمامی تجارب موجود نیروی متزلزل و ناپایداری در انقلاب است. این نیرو زیر تأثیر مشاغل خارجی امپریالیسم و آرایش و توارن نیروهای طبقاتی درون جامعه، متناسب با ظرفیت طبقاتی - تاریخی خود، مستعد سازش با امپریالیسم و با اتحاد با نیروهائی است که خواهان آنند که سارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به پیش‌رانده شود.

سیاست طبقه کارگر در مقابل این نیروها در مرحله انقلاب دمکراتیک سیاست انتقاد و اتحاد است. ما می‌باید با قاطعیت از سیاست سازشکارانه و متزلزل این نیرو انتقاد کنیم و جهت این انتقاد باید به‌گونه‌ای باشد که او را به پدیرتی سیاست‌های سروهائی دمکرات و انقلابی ارتقاء دهد نه آن که سروهائی رادیکال و طبقه کارگر را به تمسک از سیاست‌های او تشویق نماید. در عین حال ما می‌باید تا آنجا که این نیرو توان قرار گرفتن در جبهه انقلاب را دارد، از پیوستنش به دشمنان انقلاب معانعت به عمل آوریم.

صما سازمان برای مشخص کردن زمینه‌های مادی و عینی وجود سیاست‌ها و تکرش‌های بورژوا ملی در انقلاب ایران هم اکنون تحقیقاتی در دست دارد که نتایج آن در آینده اعلام خواهد شد.

رژوازی لیبرال، که بازرگان و شرکا ندگی می‌کنند، آن بخش از بورژوازی که در ادامه وابستگی جامعه به آمریکا دارای علائق و منافع معینی، مقابله این بورژوازی با بخش اعضای بورژوازی وابسته که دیکتاتوری‌شاه تا مین انحصاری منافع آنان را به عهده داشت، برای قطع وابستگی میهن ما به امپریالیسم، نبود، بلکه

برای دست‌یابی به سهم بیشتر بوده است. این بورژوازی می‌خواهد که نفوذ وابستگی اقتصادی، سیاسی امپریالیسم در جامعه ما قطع گردد. مضمون تفاوت بنی‌صدر و بازرگان و شرکا، بر این پایه قابل توضیح است. بازرگان تمام کوشش خود را بر این مبدول می‌داشت که نفوذ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در میهن ما به‌گونه‌ای تنظیم شود که نفوذ بورژوازی لیبرال از آن بیشترین سود را عاید خود گرداند و سهم بیشتری از عا رب امپریالیست‌ها به حیب او سرازیر شود.

بنی‌صدر به تنظیم رابطه با امپریالیسم به‌گونه‌ای می‌اندیشد که به‌بورژوازی ملی امکان رشد مستقل را بدهد و تمامی منافع ناشی از استثمار و بهره‌کشی سرمایه‌دارانه از کارگران و زحمتکشان ایران را به حیب این بورژوازی سوازیب گرداند. اما هرگاه چیس خط سیاسی بر حکومت غلبه یابد و تثبیت شود و ادامه یابد، بطور اجتناب‌ناپذیر به پذیرتی سلطه امپریالیسم ختم خواهد شد. به این ترتیب است که سیاست‌های بورژوازی ملی در تحلیل نهائی به همانجائی می‌رسد که بازرگان و شرکا، در حال خواستار آنند.

ج ۲ و ۳: مفهوم است که هر نیروی اجتماعی از استقلال و آزادی مفاهیم خاصی را در نظر دارد و منافع معینی را دنبال می‌کند.

طبقه کارگر که سازمان ما بیانگر منافع آن است نه تنها قادر است استقلال را برای میهن، یعنی همه اقشار و طبقاتی که در جبهه انقلاب هستند تأمین کند، بلکه قادر است آزادی و سعادت همه نیروهای جامعه را به معنی واقعی آن و در شکل نابودی هرگونه ستم و بهره‌کشی طبقاتی تأمین نماید. مراد بنی‌صدر از آزادی - آزادی بهره‌کشی بورژوازی ملی از کارگران و زحمتکشان خودی است. مراد او از استقلال، استقلال این بورژوازی از انحصارات امپریالیستی در بهره‌کشی سرمایه‌دارانه از نیروی کار خودی است.

باید توجه داشت که نمایندگان سیاسی طبقات اجتماعی ممکن است تحت تأثیر تحولات سیاسی و گرایشات سیاسی طبقات دیگر قرار گرفته و در شرایطی از منافع طبقاتی که نمایندگی آن را دارند عدول کرده و دفاع از منافع طبقات دیگر را برعهده گیرند.

در بسیاری از موارد استحاله نمایندگان سیاسی طبقات، ضمن برخورداری از ماه‌آزاد مادی و طبقاتی معین، به معنی استحاله خود طبقات نیست.